یوسف بن علوی، وزیر خارجه عمان در گفت‌وگوی با «ایران»

به پایان اشغال عراق می اندیشیم

تهران در روزهای حساس خاورمیانه، همچنان میزبان شمار زیادی از بلندپایگان سیاسی است. پایوبن فرودگاه مهرآباد هر روز گروه جدیدی از دیپلمات ها و فرستادگان سیاسی را پذیرایی می کند. دیپلمات هایی که غالباً تهران را پل تماس و مرکز مشاوره در دو بحران بزرگ عراق و افغانستان قرار داده اند. در حلقه میهمانان سیاسی ایران، وزیر خارجه کهنه کار عمان، یک عضو متمایز بود. یوسف بن علوی چهره ای آشنا برای ایرانی هاست. او از زمان قدرت گرفتن سلطان قابوس تاکنون ریاست دیپلماسی عمان را در دست دارد. در حالی که رشته دیپلماسی اغلب کشورهای عرب در دست چهره های جوان و تازه کار افتاده است، مسقط همچنان سکان سیاست خارجی خود در بحران های منطقه را به دست نیروهای کهنه کار داده است. از همین روست که بن علوی در تهران به گرمی پذیرایی شد و مسئولان ایرانی در استقبال و بدرقه فرستاده سلطان قابوس، این نگاه متمایز خود را آشکار ساختند. دیپلماسی مسقط از پس تجربه حوادث مهمی چون انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دو جنگ منطقه ای آمریکا بر آن است تا برخلاف برخی پایتخت های عربی سیاستی مبتنی بر اعتدال و دوستی در قبال ایران پیش ببرد. وزیر خارجه عمان و دستیار ویژه سلطان قابوس هنگام ترک تهران در حالی که نگاهی به حوادث آن سوی خلیج فارس و عملیات آمریکایی ها دارد، باب گپ و گفت با روزنامه «ایران» را باز می کند.

احسان تقدسی - مختار پرتو

شما از قدیمی ترین دیپلمات های منطقه هستید و بسیاری از بحران ها را شاهد بوده اید، در مورد بحران خاورمیانه دو نظر وجود دارد: برخی معتقدند بحران های خاورمیانه به نقطه بدون راه حل و غیرقابل بازگشت رسیده است و در سوی دیگر، برخی هنوز به یافتن راه حل سیاسی برای بحران هایی مانند عراق، لبنان و فلسطین امیدوارند. شما در این باره چگونه می اندیشید؟

درست است، منطقه در بحران است. ولی تا زمانی که بحران هست، راه حل هم هست. این قاعده اساسی مقابله با این چنین بحران هایی است. آنهایی که می گویند برای این بحران راه حلی نیست، ممکن است این بحران را با بحران های سابق مقایسه کرده باشند. آنها به اعتبار نتایج بحران های سابق که با تلاش برای حل آن ها صرف نشد یا توافق همه جانبه در آن ها حاصل نشد این حرف را می زنند؛ برای مثال، اگر ایران را بخشی از دیپلماسی حل بحران های منطقه بدانیم، شاهدیم که رهبران ایران تلاش فراوانی را انجام می دهند تا راه حلی برای این بحران ها پیدا کنند. مقام های سراسر جهان نیز می کوشند راه حلی عادلانه برای بحران های منطقه پیدا شود. به همین دلیل، شاهدیم که بحران های کنونی به نوعی با بحران های گذشته تفاوت دارد. در بحران های گذشته، شاهد بودیم که یکی از طرف های بحران تمام پیشنهادهایی را که برای حل آن ارائه می شد، رد می کرد. اما اکنون همه طرف ها خواستار یافتن راه حلی مسالمت آمیز برای بحران های منطقه اند.

در بحران عراق که در رأس معضلات منطقه است، برخی معتقدند که نوعی تقابل میان کشورهای منطقه صورت گرفته و این طور وانمود می شود که کشورهای منطقه به دلیل منافع خود در عراق، رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند. این موضوع را چگونه ارزیابی می کنید؟

فکر می کنم در عراق مصالح و منافعی نیست و هر چه هست ضرر است. این حرف را من براساس تجارب و واقعیت هایی که از گذشته تا کنون شاهد بوده ام، می گویم. برای همین، باید به سوی یافتن راه حل مسالمت آمیزی برویم که همه بازیگران را راضی کند.

خبرهای بسیاری منتشر شده که حاکی از آن است که برخی کشورها در بحران عراق نقش دارند، آیا این فرضیه را قبول دارید و اساساً از دید شما عوامل ناامنی های عراق در کجا قرار دارد؟

این گفته یک تبلیغ غیرواقعی و ساختگی است. عراقی ها قبل از جنگ عراق، مشکلات مذهبی، نژادی و ... نداشتند. آنها ملتی منسجم بودند که سال ها در کنار یکدیگر به صورت مسالمت آمیز زندگی کرده اند. مطمئن باشید مشکل کنونی عراق منبع و سرچشمه ای غیراسلامی، غیرعراقی و غیرعربی و اصولاً خارج از این منطقه دارد و باید آن را در جای دیگری جست وجو کرد. نه فقط عراق بلکه همه کشورهای منطقه در بحران عراق گرفتارند. در بحران های گذشته که برای عراق رخ داد، مانند محاصره اقتصادی، ما دیدیم اگرچه عراقی ها زندگی طاقت فرسایی داشتند، اما مشکلی از لحاظ همزیستی اجتماعی نداشتند. این زندگی طاقت فرسا نه فقط اهل سنت بلکه شیعیان، کردها و ترکمن ها را شامل می شد. ولی همه شاهد اتحاد و روحیه همکاری و همیاری آن ها با یکدیگر بودیم. اوضاعی که اکنون شاهدیم، بی سابقه است. در این وضعیت، ما باید تنها اشغالگران عراق را عامل تمام نابسامانی ها و فجایع عراق بدانیم. هنوز یادمان نرفته که وقتی نیروهای اشغالگر پا به بغداد گذاشتند، خون همه را اعم از شیعه و سنی مباح کردند. همزمان با ورود اشغالگران، گروه های خرابکار خارج از عراق هم وارد این کشور شدند و این وضع وخامت بار متأسفانه همواره در حال گسترش است و آینده روشنی هم برای آن دیده نمی شود. همه دیدیم اشغالگران آمریکایی و انگلیسی تمام بنیان های دولت عراق را نابود کردند.

شما چه تقسیم بندی از نیروهای مؤثر در خشونت داخل عراق دارید؟

هم اکنون در بحران عراق دو گروه نقش دارند: یکی گروه های تروریستی حاضر در عراق و دیگر نیروهای اشغالگر حاکم بر این کشور. گروه های خرابکار نیز چنانکه گفتم در پی ورود اشغالگران از خارج به داخل عراق رخنه کردند. اما اگر بخواهیم وضعیت عراق را تحلیل کنیم باید بگوییم همه طوایف عراق قربانی اشغالگران شده اند.

گفته می شود در بحران عراق نقش بی طرفانه ای از سوی عمان اتخاذ شده است. البته برخی از این موضعگیری به سکوت تعبیر کرده اند. خط مشی دیپلماسی عمان در بحران های منطقه ای بویژه بحران عراق چیست؟

از اصول اساسی سیاست عمان عدم دخالت در امور دیگران است. ما وقتی در قضیه و بحرانی پا به عرصه می گذاریم که از ایفای نقش مثبت خود در آن مطمئن باشیم. برای همین شاهدید که ما در رسانه های گروهی چندان ظاهر نمی شویم و اهل تبلیغات نیستیم. منتظر فرصت مناسبی هستیم تا بتوانیم هر آنچه در توان مان هست، عرضه کنیم تا بتوان مشکلات را از راه همکاری حل کرد؛ بدون این که بخواهیم میان طرف های درگیر مناقشه اختلاف بیندازیم.

اخیراً شاهد افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه هستیم. این موضوع از نگاه دیپلماسی عمان چطور ارزیابی می شود؟

بدون شک، همه نگران بحران آفرینی در منطقه هستند و هیچ نیازی به سلب آرامش از سوی آنها نبود. کشورهای غربی و ایالات متحده منافعی دارند که از جمله آنها منافع نفتی است. در جهان امروز، همه چیز به هم ارتباط دارد. منافع مشروع، منافعی است که میان کشورها در مورد آنها اتفاق نظر وجود داشته باشد. اعتقاد دارم ما برای این که به منافع مورد نظر خویش دست یابیم، نباید از راه های غیرمسالمت آمیز و غیردوستانه وارد شویم. اعتقاد دارم وجود نیروها و ناوهای نظامی نوعی نمایش تبلیغاتی است تا شاید بتوانند نگرانی های خود را ابراز کنند. بنابراین این که کشورهای غربی در منطقه دارای منافعی هستند، این منافع باید بر اساس اصول قانونی باشد اما متأسفانه این طور نیست. غربی ها برای دست یافتن به منافع خود دست به کارهایی می زنند که چندان مورد قبول نیست. در مقابل آنها، کشورهای منطقه، اعضای شورای همکاری خلیج فارس و ایران برای ابراز نگرانی خود اقدام های متقابلی را انجام می دهند. این اقدام ها مانند افزایش قدرت دفاعی و برگزاری مانور است. البته این نگرانی ها از سوی دو طرف همواره درحال نوسان است. هنگامی که به دلیل واقعی این نگرانی ها پی بردیم، باید به جای سکوت، بکوشیم از عوامل نگرانی خلاص شویم.

هنوز یادمان نرفته که وقتی نیروهای اشغالگر پا به بغداد گذاشتند، خون همه را اعم از شیعه و سنی مباح کردند همزمان با ورود اشغالگران، گروه های خرابکار خارج از عراق هم وارد این کشور شدند و این وضع وخامت بار متأسفانه همواره در حال گسترش است و آینده روشنی هم برای آن دیده نمی شود

پس از گذشت ۶ سال از جنگ افغانستان و ۵ سال از جنگ عراق فکر می کنید خطای بزرگ اشغالگران در اداره این دو جنگ چه بود؟

در مورد افغانستان، آمریکا برای حمله عذر موجهی به نام طالبان و القاعده و بن لادن داشت. حمله به افغانستان یک عکس العمل عادی در مقابل حمله یازدهم سپتامبر تلقی می شد. طبیعی است که حمله به افغانستان مشکلات خاص خود را پدید آورد که ملت افغانستان همچنان دست به گریبان آن است. تغییر و ساخت هویت ملت ها یک شبه و یک روزه اتفاق نمی افتد، بلکه فرآیندی است که شاید قرن ها به طول بینجامد. غربی ها در دیدگاه خود به دنبال تغییر هویت سیاسی ملت افغانستان بودند. ملت افغانستان مردمی مسلمان، دارای بافت قبیله ای با فرهنگ خاص خود هستند. ما هیچ زمان نمی توانیم فرهنگ ملت افغانستان را تغییر دهیم و نیز نمی توانیم آنها را مجبور به کاری کنیم که با ساختار فرهنگ شان سازگار نیست. با زور نمی توان هویت یک ملت را تغییر داد. این کار دارای هزینه ای بسیار سنگین است و به نظر نمی آید چشم انداز روشنی هم برای آن قابل تصور باشد.

مدیریت آمریکایی ها در جنگ عراق چه نقایصی داشت؟

در مورد عراق، فرضیه ها و تحلیل هایی که پایه تفهیم حمله به عراق قرار گرفت بسیار اشتباه بود و آمریکایی ها نیز خود به این اشتباه اعتراف کرده اند ولی ما هم اکنون شاهدیم که ملت عراق و کشورهای منطقه هزینه این اشتباه ها را می پردازند. الآن باید ببینیم چطور می توانیم اشتباه های آمریکایی ها را تصحیح کنیم. شاید دولت آمریکا با رهبران وقت عراق مشکل داشت و نه ملت عراق. به همین دلیل، می گویم آمریکا می توانست راه های بهتری را برای برخورد با آن ها (حاکمان پیشین عراق) بیابد و کار به چنین جنگ طاقت فرسایی منجر نشود. ضرب المثلی هست که می گوید در هر ضرری، منفعتی است. این مسائل همه در دست خداست و حتماً حکمتی در آن است. امیدواریم دیگر شاهد تکرار چنین مسائلی در نقطه ای دیگر نباشیم. هم اکنون تمام رهبران، اندیشمندان و مردم عراق می کوشند رهبری کشورشان را دردست بگیرند تا نیروهای اشغالگر از آن خارج شوند.

نگاه دیپلماسی عمان به مناقشاتی که آمریکایی ها در حوزه مسائل ایران بویژه در زمینه هسته ای به وجود آورده اند، چیست؟

فکر می کنم کسی را نمی توان یافت که قبول نداشته باشد که ایران به تمامی معاهدات و قوانین بین المللی پایبند بوده است و از حدود این قوانین خارج نشده است. در برنامه هسته ای نیز ایران بارها اعلام کرده که تنها به دنبال انرژی هسته ای صلح آمیز است و این موضوع (موضع هسته ای ایران) برای ما به اثبات رسیده است. البته طبیعی است که همه کشورها در زمینه مسأله هسته ای ایران متفق القول نباشند. غربی ها به مسأله هسته ای ایران اطمینان ندارند و ایران نیز متقابلاً به غربی ها اطمینان ندارد. به هر حال، بحران کنونی، در درجه اول بحران اعتماد است و این مشکل به نحوی از زمان انقلاب ایران تاکنون وجود داشته و همچنان ادامه دارد. همان طور که می دانید، ایران از سال دوم پیروزی انقلاب به جنگ تحمیلی کشیده شد و در پی آن تمام کشورهای منطقه وارد وضعیتی جنگی شدند. در آن دوران، تلاش های مطلوبی برای خروج از سلسله مشکلاتی که میان ایران و غرب وجود داشت، صورت نگرفت. من هم اکنون تنها آنچه را که احساس می کنم و اطمینان دارم، می گویم و آن، این است که دولت و رهبران ایران مصمم به حل بحران کنونی از طریق مسالمت آمیزند. دلیل این سخنان هم تلاش ایران برای ادامه مذاکره با کشورهای غربی است. این روند مورد حمایت همه ماست. در نهایت، باید به یک راه حل برسیم. اگر منطقه بار دیگر وارد جنگ شود، همه جا به آتش کشیده خواهد شد. فکر می کنم آمریکایی ها نیز این موضوع را کاملاً درک می کنند.

این سؤال مشترک از تمام دیپلمات هایی است که این روزها به ایران می آیند. آیا شما حامل پیشنهاد، راه حل یا پیامی برای حل مناقشه ایران و آمریکا هستید؟

نه! من حامل هیچ پیام و نامه ای نبودم. به اعتقاد من، همه چیز روشن است و لا اقل در این مرحله نیازی به رساندن پیام یا نامه نیست. فکر می کنم گفت و گوی میان ایران و آمریکا باید به صورت مستقیم و بدون واسطه گری طرف های دیگر باشد. برای مثال، هم اکنون گفت و گو میان ایران و اروپا به صورت مستقیم صورت می گیرد و به نظرم این بهترین راه است و خود معیاری است که باید در حوزه مسائل ایران و آمریکا نیز دنبال شود. من هرچند حامل پیامی از آمریکا به ایران و یا برعکس نیستم، اما با توجه به این که روابط ایران و عمان بسیار خوب و دوستانه است، تمام تلاش خود را برای کاهش نگرانی ها میان ایران و آمریکا انجام خواهم داد.

اگر موافق باشید نگاهی به مناسبات منطقه ای بیندازیم. به نظر می آید روند همکاری کشورهای دو سوی خلیج فارس آهنگی کند و ساکن دارد. ارزیابی شما از این مرحله روابط تهران و مسقط و رابطه ایران و کشورهای شیخ نشین خلیج فارس چیست؟

روابط ما با ایران روابطی قوی و قدیمی و براساس اعتماد دو جانبه است. کوشش می کنیم نه تنها رابطه سیاسی، بلکه در جوانب دیگر نیز روابط خود را گسترش دهیم. اکنون تلاش های فراوانی در این زمینه در حال انجام است. اعتقاد من این است که روند روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز وضعیتی مشابه روابط ایران و عمان دارد. البته شاید در برخی موارد تفاوت هایی وجود داشته باشد که این موضوع بسیار طبیعی است. مسائلی وجود دارد که باید حل شود و خوشبختانه همه بر یافتن راه حلی دوستانه و مسالمت آمیز برای حل و فصل این مسائل تأکید دارند. معتقدم که پایه های همکاری و روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بسیار قوی است، اما این روابط برای توسعه و گسترش به برخی ابزارها و ابتکارات نیاز دارد تا علاوه بر دولت ها، مردم این کشور ها نیز از نتایج این روابط نیکو استفاده کنند.

به نظر می آید که سفر شما به تهران در این شرایط حساس منطقه اهدافی فراتر پیگیری مسائل دوجانبه داشته باشد ممکن است به طور روشن هدف های سفر تان را بیان کنید و این که در مذاکرات با مسئولان تهران چه محورهایی را دنبال کردید؟

هدف از این سفر، استمرار دیدارهایی است که میان دو کشور انجام می گیرد. اکنون من میهمان شما هستم و چندی بعد نیز آقای متکی وزیر خارجه شما میهمان ما خواهد بود. روابط دو جانبه و مسائل مشترک محور مذاکرات ما در ایران بود. همانطور که می دانید میان دو کشور کمیسیون های همکاری مشترک در موضوعاتی مانند اقتصادی، امنیتی، نظامی و ... وجود دارد. با توجه به روابط خوب دو کشور، طبیعی است که این دیدارها مستمر باشد.

روایت گزارشگران گرجی از جلوه‌های دین در سیاست داخلی و خارجی ایران

دیپلماسی زیر لوای مذهب

گروه بین الملل ـ روزنامه «جمهوری گرجستان» اخیراً در گزارشی از قلم خبرنگار خود فضای سیاسی ایران را به تصویر کشیده است. گزارشگر گرجی در نگاه خود تحت تأثیر تعامل همزیستی مسیحیان و مسلمانان ایران قرار گرفته است. نکته جالب این گزارش توجه نویسندگان آن به مقوله تأثیر مذهب بر سیاست خارجی ایران است. در همین راستا آنها سرفصل گزارش خود را به اعتقادات دیپلمات های ایران مبنی بر مغایرت تولید سلاح هسته ای با فتوای دینی بزرگان دینی نظام اختصاص داده اند. این گزارش از نظر گرامیتان می گذرد:

نظم سیاسی ـ اجتماعی ایران بر احکام دینی استوار است. قرآن [کریم] برای حضرت عیسی مسیح (ع) و حضرت مریم (س) احترام خاصی قائل است. اظهارات احمدی نژاد بیانگر آن است که وی به عنوان یک مسلمان، میراث غنی مذهبی ـ فرهنگی مذکور را به طور کامل شناخته است. اظهارات وی در سازمان ملل ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۵ را به خاطر آوریم: ایران مخالف تلاش برای تولید سلاح هسته ای به خاطر اصول مذهبی خود است. پروفسور جمشید گیوناشویلی یکی از ایرانشناسان که ریاست نمایندگی گرجستان در جمهوری اسلامی ایران را در سال های ۲۰۰۴ ـ ۱۹۹۲ به عهده داشت و در حال حاضر رئیس انجمن همکاری ایران و گرجستان است، در مصاحبه با روزنامه «جمهوری گرجستان» چاپ جمهوری گرجستان ضمن بیان این اظهارات گفته است سیاستمداران صلاحیتدار در بررسی مسائل سیاست داخلی و خارجی ایران اسلامی عوامل مذهبی را در نظر می گیرند. والری ژیسکار دستن رئیس جمهور سابق فرانسه در پاسخ به خبرنگاری در پائیز سال ۱۹۹۸ اظهار داشت: «فکر نمی کنم ایران در مبارزه هسته ای از هند و پاکستان تقلید کند. ایران به قرارداد عدم گسترش سلاح هسته ای ملحق شد و همچنین انقلابی که در آن کشور به وقوع پیوست با دیگران خیلی فرق می کرد زیرا با عوامل مذهبی تغذیه شده است. «ایران در طول تاریخ چندین قرنی خود کشور کثیرالمله و کثیرالمذهب بوده است. آکادمیسین گیورگی تسرتلی خاطرنشان کرده است «دستاوردهای ملت های مختلف در امپراتوری هخامنشیان در بستری فرهنگی ـ سیاسی قرار گرفته و آن زمان، دوره اتحاد ملل شرقی بود که مرحله ای مهم در توسعه تمدن جهان بوده است.» همچنین ساختارهای اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده در آن امپراتوری نقش مهمی در ساختار کشورهای قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی ایفا کردند.

این حقیقت تاریخی است. در دوره معاصر، ایران یکی از نخستین کشورهایی است که گرجستان جدید را به رسمیت شناخت. ایران روابط دوستانه ای با گرجستان دارد و از تمامیت ارضی آن به طور کامل حمایت می کند.

آنچه مربوط به وضع مسیحیان در جمهوری اسلامی ایران است، این که همه اتباع ایرانی، طبق قانون اساسی حقوق برابری دارند. اقلیت های مذهبی (یهودی، مسیحی، زرتشتی) رسماً وجود دارند. آنها دارای خودمختاری کامل فرهنگی از جمله کودکستان، مدرسه، کلیسا، باشگاه، روزنامه و مجله و حتی کرسی در پارلمان هستند. نماینده جدید غیرمسلمان در پارلمان، به کتاب مقدس خود سوگند می خورد. دولت جمهوری اسلامی و محافل مذهبی اهمیت زیادی برای تعمیق روابط خود با مسئولان کلیساهای مسیحی قائل هستند. نمایندگان کلیساهای مسیحی به دفعات از جمهوری اسلامی دیدار می کنند.

سفر ایلیای دوم اسقف اعظم گرجستان به جمهوری اسلامی در ۳۱ ـ ۲۷ ماه مه سال ۲۰۰۱ یکی از مهم ترین این موارد بود. اسقف اعظم با [حضرت] آیت الله سید علی خامنه ای رهبر مذهبی ـ سیاسی، رئیس جمهوری وقت، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس مرکزی آموزشی به نام (مدرسه عالی) آیت الله مطهری و همچنین رئیس اداره کل فرهنگی وزارت خارجه و سازمان فرهنگی اسلامی دیدار و گفت وگو کرد. وی در ۲۹ مه سخنرانی ای با موضوع «ایران ـ گرجستان: گفت وگوی تمدن ها» در مرکز تحقیقاتی وزارت خارجه ایراد کرد. اسقف اعظم گرجستان همچنین با مسئولان اقلیت های مذهبی (ارتدوکس ها، ارمنی ها، کاتولیک ها، زرتشتیان و یهودیان) ملاقات و شمایل حضرت گیورگی را به کلیسای روسی تقدیم کرد. وی با دانشجویان گرجی ملاقات و از قبرستان گرجی ها و از آثار تاریخی و مذهبی تهران و اصفهان بازدید کرد. اسقف اعظم ملاقات گرمی با هموطنانش در فریدونشهر داشت. لازم به توضیح است که به حفظ و تعمیر آثار مذهبی و فرهنگی ادیان مختلف در جمهوری اسلامی توجه خاصی می شود. در این راستا نقش سازمان میراث فرهنگی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است.

آثار مسیحی فراوانی از جمله عبادتگاه حضرت مریم (ارمنی) در خاک جمهوری اسلامی قرار دارد. تنها آثار معماری مذهبی گرجی که در خاک ایران وجود دارد آرامگاه میناداور خوشتاریا همسر اکاکی خوشتاریا (۱۹۳۲ـ۱۸۷۷) تاجر خیر گرجی در اوایل قرن ۲۰ در قبرستان ارتدوکس ـ روسی دولاب تهران است. زمانی این آرامگاه فاقد حفظ و نگهداری بود و تخریب شده بود. اما در سال های ۲۰۰۴ ـ ۲۰۰۳ این مجموعه به همت دپارتمان میراث فرهنگی استان تهران بازسازی و احیا شد.